روند فتح جزیرهٔ سیسیل توسط مسلمانان و تأثیر حضور آنان بر فرهنگ و تمدن اروپا

حسن فضل[1]

چکیده

در قلب دریای مدیترانه، جزیره‌ای است که با نام سیسیل (صقلیه) شناخته می‌شود. این جزیره با آب و هوای معتدل مدیترانه‌ای و خاک حاصلخیز، سرزمینی زیبا و پربار است. از طرف دیگر سیسیل در نقطه تلاقی دو قاره اروپا و آفریقا قرار دارد و نزدیک‌ترین مسیر ارتباطی میان این دو قاره پس از تنگه جبل‌الطارق به شمار می‌رود. همین موقعیت جغرافیایی، سیسیل را در طول تاریخ آماج حملات و تهاجمات بسیاری قرار داده است. مسلمانان یکی از این گروه‌ها بودند که بارها این جزیره را مورد هجوم قرار دادند. نویسنده به روش توصیفی ـ تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش است که روند تاریخ فتوح مسلمانان در جزیره سیسیل چگونه بوده و چیرگی مسلمانان بر آنجا در طول سده‌ها، چه دستاوردهای فرهنگی و تمدنی برای مردم آن سامان داشته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد دودمان‌های حکومتگر مسلمان در جزیره، فرهنگ و تمدن اسلامی را شکوفا کردند و آن گسترش دادند. تأثیرات این شکوفایی به‌ویژه در قالب هنر و معماری حتی پس از فروپاشی حکومت‌های اسلامی و در

۱. دکتری تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، مدرس مدعو گروه معارف اسلامی مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران؛ hf_1967_t@yahoo.com

دوران نورمان‌های مسیحی نیز ادامه یافت. برخی از نورمان‌ها نسبت به مسلمانان تسامح و مدارا داشتند و این امر باعث شد که تأثیرات فرهنگ و تمدن اسلامی در جزیره، همچنان محسوس باشد.

واژگان کلیدی: سیسیل، فرهنگ و تمدن اسلامی، هنر و معماری اسلامی، دودمان‌های حکومت‌گر مسلمان.

مقدمه

جزیره «سیسیل»[1] مانند جزایر دیگر دریای مدیترانه از قبیل «میورقه»،[2] «مینورقه»[3] و «یابسه»[4] که مجمع‌الجزائر بالئار را تشکیل می‌دهند و نیز جزیره «کرت»[5] برای سده‌ها در تسلط مسلمانان بوده‌اند، امّا همچون اندلس (اسپانیای کنونی)، از دست مسلمانان خارج شده‌اند. پژوهشگر در این نوشتار به تاریخ فتوح اسلامی در جزیره اشاره کرده و تا حدودی تأثیر اسلام و مسلمانان را بر فرهنگ و تمدن آنجا نشان داده است.

جزیره سیسیل در قلب دریای مدیترانه، از دیرباز محل تلاقی تمدن‌های مختلف بوده است. یکی از مهم‌ترین این تمدن‌ها، تمدن اسلامی بود که از قرن هشتم تا قرن سیزدهم میلادی بر این جزیره حکومت می‌کرد. در ارتباط با پیشینه، تاریخ مسلمانان در سیسیل موضوع چندین کتاب و مقاله است. یکی از مهم‌ترین این آثار، کتاب نهایه الأرب فی فنون الادب نوشته نویری است. این کتاب در ۳۳ جلد به چاپ رسیده و مطالبی ارزشمند درباره تاریخ سیسیل دربردارد. کتاب دیگری که در این زمینه قابل توجه است، تاریخ سیسیل در دوره اسلامی نوشته عزیز احمد است. این کتاب با ترجمه آقایان نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، توسط انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ رسیده است. کتاب سومی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، المسلمون فی صقلیه، نوشته مارتینو ماریو مورینو است. این کتاب به زبان ایتالیایی نوشته شده و توسط انتشارات «دار البیروت» به زبان عربی ترجمه و منتشر شده است.

وجه تمایز مقاله پیش رو، بیان خلاصه تاریخ فتوحات مسلمانان در جزیره سیسیل و اشاره به هنر و معماری مسلمانان با استفاده از تصاویر موجود می‌باشد که در کتب فوق کمتر بدان پرداخته شده است.

1. Sicily/Sicilia
2. Mallorca /Majorka /Majorqiue
3. Menorca/Minorque
4. Ibiza.
5. Crete.

۱. جغرافیای سیسیل

سیسیل در امتداد شبه‌جزیره ایتالیا قرار دارد و بزرگ‌ترین جزیره دریای مدیترانه به شمار می‌رود (نقشه شماره ۱). جغرافی‌دانان مسلمان، این جزیره را به ملتی موسوم به «صقوقس» نسبت داده و آن را به شکل‌های صقلیه، سقلیه، سکیلیه، صیقیلیه، اصقلیه و اسقلیه ذکر کرده‌اند (عودی، ۱۳۸۵، ص۴۸۷). سیسیل با تنگه مسینا (مسینی/ مسینه)[1] به فاصله هفت مایل از ایتالیا جدا شده است و در شمال شرقی جزیره قرار دارد. امتداد طولی جزیره، شرقی ـ غربی است. پس از ایتالیا کمترین فاصله سیسیل با خشکی، از ناحیه جنوب غربی و در حدود ۱۲۰ کیلومتر با کشور تونس است (احمد، ۱۳۶۲، ص۱). مساحت این جزیره مثلثی‌شکل، ۲۴۴۶۰ کیلومتر مربع است[2] (گلی زواره‌ای، ۱۳۸۹، ص۳۹ـ۴۶). تنگه مسینا و بخش جنوبی سیسیل، بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه مسیر کشتیرانی میان شرق و غرب و آبراه وصول به کشورهای اروپایی است (نقشه شماره ۲).



نقشه شماره ۱: موقعیت جزیره سیسیل در دریای مدیترانه (منبع: اینترنت)

1. Messina.

۲. عودی وسعت این جزیره را ۲۵۴۶۰ کیلومتر مربع می‌داند (ر. ک: عودی، ۱۳۸۵، ص۴۸۵).



نقشه شماره ۲: جزیره سیسیل (منبع: اینترنت)

پیش از فتح مسلمانان، سیسیل از دو ایالت پالرمو (بلارمه/ بالرم)[1] و سیراکوز (سیراگوزا)[2] تشکیل می‌شد. مسلمانان آن را به سه منطقه مازر،[3] نوطس[4] و دمنش[5] تقسیم کردند. مهم‌ترین شهرهای سیسیل در زمان کنونی پالرمو، مسینا، مازر (مازارا/ مادزارا)، طبرمین، قصریانه و سیراگوزا هستند (عودی، ۱۳۸۵، ص۴۸۷). اگرچه سیراگوزا بزرگ‌ترین شهر جزیره است (آیتی، ۱۳۶۳، ص۲۲۲)، امّا پالرمو مرکز آنجاست.[6] از سوی دیگر سیسیل به سه منطقه جغرافیایی تقسیم می‌شود: وال دی مادزارا،[7] ال دی نوتو[8] (اقلیم نوطس) و وال دمونه[9] (اقلیم دمنش). این تقسیم‌بندی برای شناسایی دوران تسلط مسلمانان بر این جزیره اهمیت فراوان دارد (احمد، ۱۳۶۲، ص۱). شمال جزیره مناطق آتشفشانی وجود دارد و بدین سبب، از سرسبزی کمتری برخوردار است (عباس، ۱۹۹۴، ص۱۳).[10]

1. Palermo.
2. Syracuse.
3. Mazara.
4. Noto.
5. Demone.

۶. سیراگوزا را نباید با ساراگوسا در اسپانیا اشتباه گرفت.

7. val di mazara Val di mazara
8. Val di noto.
9. Valdemone.

۱۰. ابن‌جبیر آن را جبل النار یا کوه آتش ذکر کرده است (ابن‌جبیر، ۱۳۷۰، ص۳۹۸).

جغرافی‌نویسان مسلمان از این جزیره زیبا و پرجاذبه به نیکی یاد کرده‌اند. احسن التقاسیم از وسعت و زیبایی بی‌نظیر آن سخن می‌گوید (مقدسی، ۱۳۶۱، ص۲۳۲). ابن‌حوقل که این جزیره را از نزدیک دیده است از کثرت مساجد آن که در هیچ جای دیگر ندیده است؛ شگفت‌زده می‌شود (زارع، ۱۳۹۲، ص۴۳). ادریسی از دو رودخانه، یکصد قلعه و چشمه‌های فراوان آن و نیز قرارگرفتن آن در اقلیم چهارم یاد می‌کند. او محیط سیسیل را هفده روز و طول آن را پنج روز می‌داند (عباس، ۱۹۹۴، ص۱۳). ابن‌جبیر بخشی از سفرنامه خود را به سیسیل اختصاص داده است و از شهرها و آداب مردم آن سخن می‌گوید (ابن‌جبیر، ۱۳۷۰، ص۳۹۳ـ۴۱۸). یاقوت حموی سیسیل را آباد و دارای بیست و سه شهر (یا هجده شهر) و سیزده قلعه می‌داند. او از کوهستان‌های این جزیره، قصریانه و شهر میان آن نیز یاد می‌کند (حموی، بی‌تا، ج۳، ۴۱۹ـ۴۱۶).

این جزیره زمانی تحت سلطه فنیقی‌ها و سپس یونانیان بوده است تا در سال ۲۴۱م که رومیان آن را تسخیر کردند. پیش از حمله‌های مسلمانان، سیسیل از ایالت‌های امپراتوری بیزانس (روم) بهشمار می‌آمد (احمد، ۱۳۶۲، ص۲).

۲. سیسیل، آماج حملات مسلمانان (۳۲/۳۱ ـ ۱۳۵ق)

مسلمانان از سال ۳۱ق، حملات خویش را به سیسیل آغاز کردند (همان) (نقشه شماره ۳). حمله‌های نخستین برای مسلمانان، تنها غنیمت به دنبال داشته و فتح جزیره میسر نشده است.



نقشه شماره ۳: حمله‌ها و فعالیت‌های دریایی مسلمانان در دوره‌های تاریخی (منبع: مونس، ۱۳۸۲، نقشه ۱۳۶، ص۳۴۸)

۱ـ۲. دوره خلفای نخستین

نخستین حمله مسلمانان در سال ۳۱ـ۳۲ق برابر با ۶۵۲م به دستور معاویه‌بن‌ابی‌سفیان و به فرماندهی معاویه‌بن‌حُدَیج کندی انجام شد. در این زمان، المپیوس[1] از سوی امپراتوری

1. Olympius.

بیزانس، فرمانروای ایالت راونا[1] بود. معاویه‌بن‌حدیج، پس از حمله، با مقداری غنائم و تعدادی اسیر به شام بازگشت (احمد، ۱۳۶۲، ص۲). حمله معاویه‌بن‌ابی‌سفیان به‌خاطر کسب اعتبار در برابر عبدالله‌بن‌سعد، حاکم مصر بود (ارسلان، ۱۳۷۰، ص۱۹۵).

۲ـ۲. دوره امویان

در سال ۴۶ق برابر با ۶۶۷م، ناوگانی به فرماندهی عبدالله بن قیس بن مخلد درقی[2] به سیسیل اعزام شد (عودی، ۱۳۸۵، ص۷۰). عبدالله در این حمله، به غنیمت‌های فراوانی از جمله مجسمه‌های طلایی و نقره‌ای دست یافت که آنها را برای معاویه فرستاد (احمد، ۱۳۶۲، ص۲ـ۳). حمله دیگری توسط مسلمانان در سال ۴۸ق/ ۶۶۸م به سیسیل گزارش شده که ناوگانی با دویست کشتی از شهر اسکندریه بوده است (حِتی، ۱۳۴۴، ص۲۱۴).

بیزانس در سال ۶۲ق/ ۶۸۱ـ۶۸۲م از سیسیل به‌عنوان پایگاهی برای حمله به مسلمانان برقه (سیرینایک) در شمال آفریقا استفاده کرد (احمد، ۱۳۶۲، ص۳). در ذکر وقایع سال ۷۴ق نقل شده است: «عبدالملک مروان سپاهی به فرماندهی حسان‌بن‌نعمان غسانی به افریقیه فرستاد و گروهی از ایشان به سیسیل گسیل شدند» (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸، ج۴، ص۳۱). با انتصاب موسی‌بن‌نصیر به فرماندهی شمال آفریقا، حمله‌های مسلمانان به سیسیل فزونی گرفت. در سال ۸۵ق/ ۷۰۴م، موسی ناوگان کوچکی به فرماندهی پسرش، عبدالله برای حمله به جزیره‌های دریای مدیترانه یعنی جزایر بالئار (بالئارس/ بالئاری)[3] یا جزایر شرقی اندلس، سیسیل و ساردنی (ساردینا/ ساردینه/ سردینیه)[4] اعزام کرد. در این زمان از حمله به شهر سیراگوزا نیز نقل شده است (مونس، ۱۳۷۳، ص۶۹). به سبب حضور بزرگان مسلمان، این جنگ «غزوه الاشراف» نام گرفته است (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص۳۹). در ذکر وقایع سال ۹۲ق، از حمله‌ای دیگر به سیسیل صحبت شده که نافرجام بوده است و شماری از مسلمانان در دریای مدیترانه غرق شده‌اند (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸، ج۴، ص۱۲۱).

1. Ravena.

۲. عبیدالله هم ذکر شده است (ارسلان، ۱۳۷۰، ص۱۹۵).

3. Balearic Islands.

4. Sardinia.

بِشربن‌صفوان کلبی، حاکم افریقیه و اندلس در سال ۱۰۹ق/ ۷۲۷م به سیسیل یورش برد (احمد، ۱۳۶۲، ص۴)، او عده زیادی را به اسارت درآورد و با بیزانس پیمان صلح بست؛ امّا به این پیمان وفا نشد. در سال ۱۱۰ق عبیده‌بن‌عبدالرحمان جانشین بشر، سپاهی به فرماندهی عثمان‌بن‌ابی‌عبیده و در سال ۱۱۰ـ۱۱ق/ ۷۲۹م، عبیده‌بن‌عبدالرحمان سلمی که از سوی هشام‌بن‌عبدالملک به امارت منصوب شده بود، لشکری به فرماندهی مستنیربن‌حارث حریشی برای جنگ به سیسیل اعزام نمودند؛ امّا سودی حاصل نشد (همان).[1] در سال ۱۱۱ـ۱۱۲ق/ ۷۳۰م نیز حمله‌ای به سیسیل گزارش شده است (همان). در سال ۱۱۳ـ۱۱۴ق/ ۷۳۲م، به فرماندهی عبدالملک‌بن‌قطان و در سال ۱۱۵ق/ ۷۳۳م از جانب حاکم افریقیه به نام عبیده‌بن‌عبدالرحمان، ناوگانی به فرماندهی ابوبکربن‌سوید به سیسیل اعزام شد. گروه اخیر تعداد زیادی از کشتی‌های خود را بر اثر حرّاقه‌ها از دست داد (همان، ص۸۵).

در سال ۱۱۶ق/ ۷۳۴م هشام‌بن‌عبدالملک، عبیدالله‌بن‌حبحاب موصلی[2] را به امارت افریقیه منصوب کرد. ابن‌حبحاب، لشکری به سیسیل اعزام کرد که در جنگ با لشکر بیزانس پیروز شدند (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸، ج۴، ص۲۱۹). ابن‌حبحاب دیگربار در سال ۱۲۲ق/ ۷۴۰م سپاهی به فرماندهی حبیب بن ابی‌عبیده بن عقبه بن نافع و پسرش، عبدالرحمان، به سیسیل فرستاد. حبیب توانست بخش‌هایی از جزیره را تصرف کند. او سیراگوزا را فتح کرد و مردم را به پرداخت جزیه ناگزیر ساخت، امّا به‌خاطر طغیان بخشی از لشکریان و اشغال طنجه،[3] به شمال آفریقا بازگشت (همان، ص۲۲۲). در فاصله سال‌های ۸۴ـ۱۳۵ق، حدود بیست حمله از سوی مسلمانان به سیسیل انجام شده است (عودی، ۱۳۸۵، ص۴۹۱ـ۴۸۹).

۳ـ۲. دوره عباسیان

با برآمدن عباسیان، عبدالرحمان بن حبیب بن ابی‌عبیده فهری (د۱۳۷ق)، برادر خود، عبدالله را در سال ۱۳۵ـ۱۳۶ق/ ۷۵۳م مأمور لشکرکشی به سیسیل کرد. این سپاه، با گرفتن غنائم، به شمال آفریقا بازگشت (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸، ج۴، ص۳۲۵). چندی بعد امپراتور بیزانس، ناوگان

۱. الکامل این رخداد را در سال ۱۱۳ق ذکر می‌کند (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸، ج۴، ص۲۱۴).

۲. تاریخ دولت اغلبیان، ابن‌حبحاب سلولی ذکر کرده و وی را از نوادگان عقبه‌بن‌نافع می‌داند (عودی، ۱۳۸۵، ص۸۴).

3. Tangier.

دریایی را برای حفاظت از جزایر سیسیل و ساردنی اعزام کرد (احمد، ۱۳۶۲، ص۵ـ۶). دراین حال، گروهی از سپاهیان رومی نیز مسئول مراقبت و گشت‌زنی پیرامون جزیره بودند و گاه بازرگانان مسلمان را غارت می‌کردند (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸، ج۴، ص۳۲۵). از سوی دیگر، مسلمانان در مرزهای آبی، دست به تأسیس استحکاماتی زدند؛ از جمله در سال ۱۸۰ق/ ۷۹۶م، هرثمه‌بن‌أعین، والی افریقیه، در طرابلس به این کار اقدام نمود. همچنین در منستیر،[1] در تونس فعلی، رباط (پادگان نظامی) ایجاد کرد (احمد، ۱۳۶۲، ص۶).

۳. اغلبیان در سیسیل (۳۳۵ـ۱۹۷ق)

پیش از حاکمیت مطلق اغالبه، هارون‌الرشید، خلیفه عباسی (د۱۹۳ق)، ابراهیم‌بن‌اغلب (د۲۷۹ق) را در برابر پرداخت چهل هزار دینار خراج سالیانه، والی تقریباً مستقل در افریقیه کرد (همان). ابراهیم برای تقویت دولت خود، پیمان صلحی به مدت ده سال با قسطنطین پاتریارک گریگوری (بطریق) بیزانس در سیسیل منعقد کرد و میان افریقیه و سیسیل بازرگانی رونق گرفت (عودی، ۱۳۸۵، ص۴۹۱).

ابوالعباس عبدالله اوّل (د۲۰۱ق)، پسر ابراهیم‌بن‌اغلب در سال ۱۹۶ـ۱۹۷ق/ ۸۱۲م نیروی دریایی نیرومندی تأسیس کرد. چندی بعد، میخائیل اول (میشل)، امپراتور بیزانس، ضمن تقویت حضور دریایی، سپاهی را به فرماندهی پاتریارک، راهی نبرد با اغالبه کرد. شارلمانی نیز لشکری به سیسیل اعزام نمود تا از تهاجم مسلمانان جلوگیری کند. در نهایت، در سال ۱۹۷ق/ ۸۱۲م میان آنها نبردی درگرفت و بار دیگر بین عبدالله‌بن‌ابراهیم اغلبی و پاتریارک، پیمان صلحی در سال ۱۹۸ق/ ۸۱۳م به مدت ده سال منعقد گردید. این معاهده در سال ۲۰۴ق/ ۸۱۹ـ۸۲۰م با لشکرکشی مسلمانان به سیسیل به فرماندهی محمد بن عبدالله بن اغلب نقض شد و مسلمانان پس از اسارت عده‌ای از دشمنان، عقب‌نشینی کردند (احمد، ۱۳۶۲، ص۷).

۱ـ۳. جنگ‌ها و رخدادهای تاریخی

همزمان با کشمکش‌ها در افریقیه میان عرب‌ها، بربرها و خراسانی‌ها، که گروه اخیر به همراه سپاهیان عباسی به آنجا آمده بودند و تا سال ۲۱۲ق ادامه داشت، در سیسیل،

1. Monastir.

«فیمی» (فیمیوس/ اوفیمیوس)، فرمانده ناوگان دریایی بیزانس، زمانی که فهمید دستور قتلش توسط امپراتوری بیزانس صادر شده است، علیه میشل دوم، حاکم سیسیل قیام کرد و او را به قتل رساند، امّا در نبرد با یکی از کارگزاران بیزانس شکست خورد و به امیر افریقیه پناه برد (لوبون، ۱۳۵۸، ص۳۶۹). فیمی، زیادهالله را به گشودن سیسیل تشویق کرد. زیادهالله این پیشنهاد را در مجلس مشورتی قیروان[1] که «جماعه» (جماعت) نام داشت، مطرح کرد. اسدبن‌فرات،[2] قاضی‌القضات، اسیران مسلمان در سیسیل را بهانه قرار داد و حمله به جزیره، به تصویب رسید. زیادهالله، اسدبن‌فرات را با حفظ سمت قاضی‌القضات، امیر لشکر حمله به سیسیل کرد. سپاه در ربیع‌الاول سال ۲۱۲ق/ ۸۲۷م از سوسه[3] افریقیه به طرف سیسیل حرکت کرد و در بندر مازر (مازرا) پیاده شد (عودی، ۱۳۸۵، ص۳۲۲). در ۱۸ ربیع‌الاول همان سال، نبردی میان اغلبیان و لشکر روم درگرفت که رومیان شکست خوردند و پاتریارک کشته شد و زیادهالله خبر فتح سیسیل را به مأمون عباسی رساند (همان، ص۴۹۴ـ۴۹۶). ابن‌فرات سپس سیراگوزا را به مدت دو ماه محاصره کرد و مسلمانان قلعه‌های جرجنت و قصریانه را محاصره نمودند. در این جریان‌ها، از تصاحب بیش از بیست شهر سیسیل توسط مسلمانان یاد شده است (ارسلان، ۱۳۷۰، ص۱۹۵). در این بحبوحه، فیمی نیز کشته شد (عودی، ۱۳۸۵، ص۴۹۸ـ۴۹۹).

در سال ۲۱۴ق، محمدبن‌ابی‌جواری، جانشین اسدبن‌فرات درگذشت و زهیربن‌غوث جانشین او شد (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸، ج۵، ص۱۸۷). در همین سال، نیروهای کمکی از افریقیه، و مجاهدان مسلمان از اندلس، به سرپرستی اصبغ‌بن‌وکیل هواری، معروف به «فرغلوش»، به یاری اغلبیان در سیسیل شتافتند. آنها به سرکردگی عثمان‌بن‌قرهب، شهر پالرمو را محاصره کردند که در سال ۲۱۶ق با صلح فتح شد (عودی، ۱۳۸۵، ص۴۹۹).

۲ـ۳. دلایل و نتایج فتوح اغالبه

اغالبه، سلسله‌ای از خلفای اسلامی در تونس بودند که در قرن سوم هجری به سیسیل حمله کردند. انگیزه‌های این حمله، هنوز هم محل بحث است، امّا برخی از مورخان معتقدند که آنها

1. Kairouan.

۲. تاریخ عرب و اسلام، اسعد ذکر کرده است (امیرعلی، ۱۳۶۶، ص۵۵۳).

3. Sousse.

قصد داشتند با این حمله، گروه‌های افراطی و شورشگر در افریقیه را به جهاد با کافران معطوف سازند. در آن زمان، امیران اغالبه در افریقیه، با مخالفت فقیهان مالکی قیروان مواجه بودند. این فقیهان معتقد بودند که اغالبه از احکام دینی پیروی نمی‌کنند و ازاین‌رو، آنها را به جهاد با کافران فرا می‌خواندند (بوسورث، ۱۳۷۱، ص۵۲). برخی دیگر از مورخان معتقدند که فتح سیسیل، نوعی راهزنی دریایی و به قصد غارت، توسعه‌طلبی و به‌دست‌آوردن منافع اقتصادی بوده است؛ امّا شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد انگیزه اصلی اغالبه از این حمله، جهاد در راه خدا بوده است. یکی از دلایل این امر این است که فرمانده سپاهیان اغالبه در فتح سیسیل، قاضی و فقیهی به نام ابن‌فرات بود. ابن‌فرات در نامه‌ای به خلیفه زیاده‌الله، فتح سیسیل را جهاد در راه خدا توصیف کرد و نوشت: «خداوند اراده کرده است که این جزیره را به دست ما دهد تا آن را به دین اسلام پیوند زنیم و مردم آن را از ظلم و ستم نجات دهیم». دلیل دیگر این است که اغالبه پس از فتح سیسیل، اقدامات زیادی برای اسلامی‌سازی این جزیره انجام دادند. آنها در سیسیل، مردم را به اسلام دعوت کردند و مساجد و مدارس دینی ساختند. بنابراین می‌توان گفت که فتح سیسیل، نه‌تنها یک پیروزی نظامی، بلکه یک پیروزی فرهنگی و دینی برای مسلمانان بود.

یکی از نویسندگان، دلایل حمله و فتح سیسیل در سال ۲۲۱ق/۸۲۷م را چنین ذکر می‌کند:

الف) پیشرفت صنایع کشتی‌سازی اغالبه در دار الصناعه تونس و سوسه؛

ب) ناکامی عباسیان از تصرف اروپا از سمت مشرق؛

ج) موقعیت حساس سیسیل از نظر نظامی و بازرگانی و نزدیک بودن به افریقیه؛

د) پایگاه بودن سیسیل برای رومیان جهت حمله به افریقیه؛

هـ) اهمیت اقتصادی و بازرگانی سیسیل؛

و) شورش «توماس صقلابی» علیه امپراتوری بیزانس؛

ز) فتح کرت در سال ۲۱۲ق به دست مهاجران اندلسی رانده‌شده از مصر؛

ح) قیام فیمی علیه امپراتوری بیزانس و پناه بردن به اغالبه (عودی، ۱۳۸۵، ص۴۹۲_۴۹۳).

حمله به جزیره سیسیل باعث آرامش داخلی و کاهش شورش سپاهیان و برخورداری از غنیمت‌های بی‌شمار بود. کثرت غنایم به اندازه‌ای بود که نه‌تنها فزونی بیت‌المال را به دنبال

داشت و باعث حل مشکلات مردم افریقیه شد (همان، ص۱۳۱ و ۱۳۶)؛ بلکه موجب حذف نظام مالیاتی آنجا به دستور زیاده‌الله در سال ۲۱۲ق گردید (همان، ص۱۸۹). گاه از این غنایم، به دربار بغداد نیز فرستاده می‌شد (همان، ص۱۶۸). ایجاد پایگاه برای ناوگان دریایی اغالبه، دستاورد دیگر این فتح بود. آنان پس از فتح سیسیل، جزیره را پایگاهی برای حمله‌های خود به بنادر و سواحل ایتالیا، فرانسه و جزیره کرت قرار دادند (همان، ص۲۰۳).

با مرگ زیاده‌الله اوّل، فتوح متوقف گردید، امّا دیگر بار در سال ۲۲۵ق از سر گرفته شد و بخش غربی جزیره به تصرف اغلبیان درآمد. در سال ۲۲۸ق/ ۸۴۲م، شهر مسینی (مسینا)، به کمک کشتی‌های ناپل و به‌وسیله اغالبه فتح شد و راه برای حمله به جنوب ایتالیا هموار گردید. غازیان مسلمان به دفعات به رم حمله کردند و کلیساهای آنجا را غارت نمودند. اغالبه به فرماندهی عباس‌بن‌فضل فرّاری، امیر سیسیل، در سال ۲۴۴ق، قصریانه را پس از ده سال تلاش، فتح کردند. خفاجه‌بن‌سفیان در سال ۲۴۸ق هجری جانشین عباس شد. حمله‌های مسلمانان به سیراگوزا به دلیل استحکامات آنجا ناکام ماند، امّا حملات توسط محمدبن‌خفاجه ادامه یافت (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸، ج۵، ص۳۰۶). اغلبیان به فرماندهی جعفر بن محمد بن خفاجه، در ۱۴رمضان سال ۲۶۴ق/ ۸۷۸م سیراگوزا را پس از نه ماه محاصره گشودند و تقریباً تمام جزیره سیسیل به جز «طبرمین»، جزو قلمرو دولت اغلبی قرار گرفت (عودی، ۱۳۸۵، ص۵۰۰ـ۵۰۱). امیر افریقیه، ابراهیم دوم اغلبی، در ۲۲ شعبان سال ۲۸۹ق/ ۹۰۲م توانست طبرمین را تصرف کند و از آن پس سیسیل به طور کامل از پیکره امپراتوری بیزانس جدا شد (همان، ص۵۰۱ـ۵۰۳). فتح کامل سیسیل، از سال ۲۱۲ تا ۲۸۹ق یعنی ۷۷ سال به طول انجامید.

نهمین امیر اغلبی، ابراهیم دوم، ۲۸ سال حکومت کرد. او در اواخر عمر، حکومت را به فرزندش واگذار کرد و به بهانه جهاد رهسپار سیسیل شد و در سال ۲۸۹ق در جنوب ایتالیا درگذشت (همان، ص۲۱ و ۱۶۱ـ۱۶۹). آخرین امیر اغلبی، زیاده‌الله‌بن‌عبدالله، ملقب به ابومضر، پس از قتل پدر در سال ۲۸۹ق والی افریقیه شد. عصر امارت او به خوشگذرانی گذشت (مرادی، ۱۳۹۰، ص۱۶۰). زیاده‌الله پیش از رسیدن به قدرت، مدتی فرمانروای سیسیل بود (عودی، ۱۳۸۵، ص۱۷۵). بدین ترتیب، حدود بیست امیر اغلبی در افریقیه و سیسیل به امارت نشستند (همان، ص۵۰۶ـ۵۰۷).

۳ـ۳. فرهنگ و تمدن در دوره اغالبه

اغلبیان با فرهنگ و تمدن غنی خود، تأثیر عمیقی بر جزیره سیسیل گذاشتند. پس از فتح سیسیل، اغلبیان آنجا را به سه استان تقسیم کردند. هر استان دارای یک استاندار بود که بر چند بخش تقسیم می‌شد. هر بخش نیز دارای یک فرماندار و یک بخشدار بود. در پایتخت سیسیل، پالرمو، یک مفتی تعیین شد که مسئول رسیدگی به امور مذهبی بود. همچنین در مناطق مختلف سیسیل، قاضیانی منصوب شدند که به حل‌وفصل اختلافات می‌پرداختند. در هر شهر، یک امین مالیه، مسئول جمع‌آوری مالیات و اداره امور مالی بود (لوبون، ۱۳۵۸، ص۳۷۸). همچنین در این دوره، دیوان‌های مختلفی تشکیل شد که به امور مختلف رسیدگی می‌کردند. از جمله این دیوان‌ها، دیوان خراج بود که مسئول جمع‌آوری مالیات از زمین‌ها بود. دیوان خاتم نیز مسئول صدور احکام و اسناد رسمی بود. اغلبیان همچنین نظام‌های حسبه و عسس را در سیسیل ایجاد کردند (جودکی، ۱۳۷۹، ص۹۶). حسبه مسئول رسیدگی به امور اجتماعی و عمرانی شهر و عسس مسئول حفظ امنیت شهر بود (همان).

کشاورزی در این زمان اصلاح شد. زراعت پنبه و نیشکر و غرس درختان زبان‌گنجشک و زیتون، معمول شد و نهرها و قنوات احداث گردید. معادن طبیعی مانند نقره، آهن، مس، گوگرد و سنگ مرمر به شیوه نوین استخراج شد و صنعت پارچه‌بافی گسترش یافت (لوبون، ۱۳۵۸، ص۳۸۰).

تعلیم و تربیت، همچون سایر مناطق اسلامی در سیسیل رواج داشت. وجود سیصد مکتب‌خانه (کُتّاب) در شهر پالرمو، مؤید این مسئله است (عودی، ۱۳۸۵، ص۲۶۳). امیران اغلبی به‌ویژه سه امیر واپسین، که زبان لاتین را به‌خوبی می‌دانستند، به ترجمه کتاب‌های پزشکی یونانی و لاتینی علاقمند بودند. ازاین‌رو مترجمان مراکز علمی افریقیه را به ترجمه این کتاب‌ها تشویق نمودند. بسیاری از این کتاب‌ها و دیگر آثار علمی، از طریق سیسیل و به‌ویژه پالرمو، به ایتالیا و از آنجا به اروپا منتقل شد (همان، ص۳۰۱).

صنعت کاغذسازی که از چین به بغداد رفته بود و سپس در قیروان و دیگر شهرهای شمال آفریقا رواج یافت، توسط اغلبیان به پالرمو و از آنجا به ایتالیا و سپس آلمان رفت.

اغلبیان کاغذی ویژه به نام «بردی» داشتند که در سیسیل تهیه می‌شد (همان، ص۲۶۲).

حاکمان مسلمان، در انجام رسوم و مراسم مذهبی و نیز پوشش و زیور، به مسیحیان سیسیل آزادی کامل داده بودند (لوبون، ۱۳۵۸، ص۳۷۹). ساخت و بازپیرایی بناهای مذهبی و غیرمذهبی، از جمله فعالیت‌های اغالبه بود. بازسازی مسجد زیبای عقبه‌بن‌نافع قیروان در تونس، با گنبد ارزشمند و باشکوه و تک‌مناره مربع‌شکل آن، که بعدها الگویی برای ابنیه مذهبی و غیرمذهبی در سیسیل شد، از این شمار است[1] (جودکی، ۱۳۷۹، ص۹۱).

پس از فتح سیسیل، نام و لقب امیران اغلبی بر روی سکه‌ها حک شد. گفته می‌شود که دینار و درهم آنها، با عیار عباسی برابری می‌کرد (همان، ص۹۶). در سال ۲۱۴ق، محمدبن‌ابی‌الجواری، درهم‌های نقره‌ای و مسی ضرب نمود که نمونه‌ای از آن در موزه «لوور» پاریس دیده می‌شود. بر یک روی سکه، نام زیاده‌الله و روی دیگر، نام ابن‌ابی‌الجواری نقش بسته است (عودی، ۱۳۸۵، ص۱۹۲ـ۱۹۳).

۴. فاطمیان در سیسیل (۳۳۵ـ۲۹۷ق)

حکومت بنی‌اغلب، با برآمدن فاطمیان در سال ۲۹۶ق/۹۰۹م به پایان رسید. پس از اقدامات ابوعبدالله، از داعیان فاطمی، و اتحاد بربرهای کتامه، عبیدالله مهدی حکومت را به دست گرفت. بسیاری از اهل‌سنت که از درباریان اغالبه به شمار می‌رفتند، به سیسیل پناه بردند، امّا علی بن احمد بن ابی‌الفوارس، والی معزول جزیره سیسیل، به طرفداری از فاطمیان پرداخت. وی بنی‌اغلب را شکست داد و احمدبن‌ابی‌حسین، حاکم جزیره را دستگیر کرد. در این زمان، علی‌بن‌احمد از طرف عبیدالله مهدی به‌عنوان والی تأیید شد، امّا به‌زودی معزول گردید. در سال ۲۹۷ق/۹۱۰م یکی از نایبان فاطمی به نام حسن‌بن‌احمد معروف به ابن‌ابی‌خنزیر، که مورد اعتماد بیشتر بود، رسماً حکومت فاطمی در سیسیل را به دست گرفت (احمد، ۱۳۶۲، ص۴۱). هرچند دولت شیعی بر سیسیل مسلط بود، امّا مردم به سبب داشتن مذهب مالکی، به دشمنی با آنها پرداختند (ناصری طاهری، ۱۳۷۵، ص۱۲۳).

۱. ر.ک: مقاله‌ای از نویسنده با عنوان «درآمدی بر هنر و معماری مسجد قیروان با تأکید بر خاستگاه معماری مناره»، فصلنامه پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال۴، ش۳۸، تابستان ۱۴۰۱.

۱ـ۴. جنگ‌ها و رخدادهای تاریخی

در سال ۲۹۸ق/۹۱۱م مسیحیان منطقه وال‌دمونه شوریدند و ابن‌ابی‌خنزیر به آنجا لشکر کشید. سال بعد قیامی فرقه‌ای علیه والی انجام شد. عبیدالله شورشیان را بخشید و ابن‌خنزیر را عزل کرد و علی‌بن‌عمر بَلَوی را به حکومت سیسیل گماشت. در سال ۳۰۰ق/۹۱۳م شورش‌هایی میان بربرهای جرجنتی علیه فاطمیان در پالرمو درگرفت (احمد، ۱۳۶۲، ص۴۲). اعراب و بربرها، زیاده‌الله احمدبن‌قُرهُب، از خانواده اغلبیان را به امارت برگزیدند. او حکومتی مبتنی بر آموزه‌های اهل‌سنت برقرار کرد و به نام مقتدر عباسی که امارت وی را قانونی اعلام کرده بود، خطبه خواند (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸، ج۶، ص۱۴۲). در سال ۳۰۱ـ۳۰۲ق/ ۹۱۴م نیروی دریایی ابن‌قرهب، فاطمیان را در سواحل شمالی آفریقا شکست داد. ابن‌قرهب در سال ۳۰۳ق/ ۹۱۵ـ۹۱۶م، سپاهی به ایتالیا فرستاد و فرماندار بیزانس را در کالابریا خراج‌گزار خویش کرد. در ادامه، بربرها علیه ابن‌قرهب شوریدند و پس از دستگیری، نزد عبیدالله فاطمی فرستادند و باعث اعدامش شدند (احمد، ۱۳۶۲، ص۴۲). عبیدالله در سال ۳۰۴ـ۳۰۵ق/ ۹۱۷م، ابوسعید موسی‌بن‌احمد الضیف را با لشکری از بربرهای کتامه که او را به قدرت رسانده بودند، عازم سیسیل کرد. آنها شورش شهرهای پالرمو، جرجنتی و شهرهای دیگر جزیره را سرکوب و حاکمیت فاطمیان را دوباره بر سیسیل برقرار کردند. ابوسعید پس از آن، سالم‌بن‌راشد را والی آنجا کرد و به افریقیه بازگشت. سالم، بیست سال (۳۲۵ـ۳۰۵ق/ ۹۱۷ـ۹۳۷م) بر جزیره حاکم بود. در سال ۳۲۲ق/ ۹۳۴م، قائم، جانشین عبیدالله شد. در سال ۳۲۵ق/ ۹۳۷م به سبب خودکامگی سالم، شورش‌هایی جرجنتی و پالرمو و در پی آن تمام جزیره را فراگرفت. در پی آن، بزرگان از خلیفه فاطمی خواستار عزل سالم شدند. قائم، خلیل‌بن‌اسحاق را جانشین سالم کرد. خلیل، اطراف پالرمو را همانند مهدیه، پایتخت فاطمیان، از نظر تأسیسات نظامی و تشکیلاتی، مجهز نمود. وی شورش جرجنتی را در سال ۳۲۷ق/ ۹۳۸م و مادزارا را به سال ۳۲۸ق/ ۹۳۹م آرام کرد و حاکمیت فاطمیان بر جزیره دوباره مسجل شد. خلیل در سال بعد، اداره جزیره را به دو نایب خود ابن‌کوفی و ابن‌عطاف واگذار کرد (همان، ص۴۳ـ۴۴).

در فاصله سال‌های ۳۳۳ـ۳۳۶ق/ ۹۴۳ـ۹۴۷م خوارج به رهبری ابویزید مخلدبن‌کیداد

در افریقیه شورش کردند که بازتاب آن در سیسیل نمایان شد. بربرها در بخش‌های جنوبی سیسیل شوریدند و از پرداخت خراج و مالیات سر باز زدند (همان، ص۴۴ـ۴۵). منصور، حسن‌بن‌علی کلبی را برای مقابله با شورشیان، حاکم جزیره کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸، ج۶، ص۳۲۶). بدین ترتیب، از این زمان حاکمیت کلبیان بر سیسیل استوار شد.

۲ـ۴. فرهنگ و تمدن در دوره فاطمیان

در منطقه وال‌دی‌مادزارا، حضور مسلمانان بیش از هر جای دیگری در سیسیل چشمگیر بود. مهاجران مسلمان تازه‌وارد، چه صاحبان حرفه و صنعت، و چه سرباز و پناهنده، در این منطقه ساکن می‌شدند. جمعیت مسیحی جزیره نیز عمدتاً در بخش شرقی و به‌ویژه در وال‌دمونه زندگی می‌کردند. مسلمانان سیسیل، در تشکیلات اداری فاطمیان در افریقیه به مقامات عالی رسیدند. جوهر سیسیلی، از بردگانی بود که نَسَبی سیسیلی ـ بیزانسی داشت. او عملاً حکومت فاطمیان را در سراسر شمال آفریقا گسترش داد و در سال ۳۵۸ق/ ۹۶۹م مصر را فتح کرد (احمد، ۱۳۶۲، ص۴۶).

به دستور او، جامع الأزهر مصر در سال ۳۶۱ق بنا شد (ابن‌خلکان، ۱۳۸۱، ج۱، ص۳۱۴). در این زمان، در معماری ابنیه، همچون مصر و ایتالیا، از طاق‌های گوتی (جناغی) در سیسیل استفاده می‌شده است. ظاهراً اروپاییان این نوع معماری را از اعراب اقتباس کرده بودند (لوبون، ۱۳۵۸، ص۷۱۱).

۵. کلبیان در سیسیل (۳۳۵ ـ۴۵۵ق)

در سال ۳۳۵ق/ ۹۴۷م قبیله‌ای اصیل به نام بنوطبری، که ریشه‌ای ایرانی داشتند، علیه ابن‌عطّاف قیام کردند. منصور فاطمی، حسن‌بن‌علی کلبی را از شمال آفریقا برای مقابله با این شورش به پالرمو اعزام کرد. حکومت وی به تأسیس سلسله نیمه‌مستقلی به نام کلبیان انجامید که بالغ بر نود سال بر سیسیل فرمان راند (احمد، ۱۳۶۲، ص۴۹).

۱ـ۵. جنگ‌ها و رخدادهای تاریخی

حسن کلبی در سال‌های ۳۴۰ـ۳۴۱ق/ ۹۵۰ـ۹۵۱م، دوبار به شبه‌جزیره ایتالیا حمله کرد.

او امارت سیسیل را به پسرش، احمدبن‌حسن سپرد و خود به دربار فاطمیان بازگشت (زارع، ۱۳۹۲، ص۴۷). در سال ۳۴۴ق، عبدالرحمان ناصر، خلیفه اموی اندلس، با کنستانتین هشتم، امپراتور بیزانس که قصد داشت جزیره سیسیل را از فاطمیان و کلبیان بگیرد، پیمان دوستی بست (ناصری طاهری، ۱۳۷۵، ص۱۲۲).

احمد نخست به نبرد با امویان اسپانیا و در سال ۳۴۶ـ۳۴۷ق/۹۵۵م همراه برادر، به جنگ با ایتالیایی‌ها پرداخت و منطقه جنوب مسینا را که نیمه‌مستقل و مسیحی‌نشین بود، به تسلط خود درآورد. از جمله این شهرها، طرمینی (تائورمینا) بود که به افتخار معز، خلیفه فاطمی، معزّیه نامیده شد (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ج۳، ص۱۶۶). در این زمان، مسیحیان رامتا (رَمطَه) شورش کردند و از نیسفوروس فوکاس، امپراتور بیزانس کمک خواستند. احمد نیز از معز فاطمی مدد طلبید. معز، لشکری به فرماندهی پدرش حسن اعزام کرد. در این نبرد، مسیحیان شکست خوردند و فرمانده‌شان، نیستاس به اسارت درآمد و به افریقیه اعزام شد. بدین ترتیب، در سال ۳۵۴ق/ ۹۶۵م، رامتا توسط مسلمانان فتح شد. حسن، مؤسس خاندان کلبی، در حین محاصره شهر درگذشت (احمد، ۱۳۶۲، ص۴۹ـ۵۰). این جنگ، به المجاز شهره است (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج۱۹، ص۲۶).

فاطمیان نمی‌خواستند کلبی‌ها دائماً در سیسیل حکومت کنند؛ ازاین‌رو پس از شانزده سال حکومت، احمد با خانواده‌اش به افریقیه فراخوانده و یعیش، حاکم سیسیل شد. با آغاز بی‌نظمی‌ها در سیسیل، یعیش فرا خوانده و ابوالقاسم علی‌بن‌حسن، برادر احمد در سال ۳۵۹ق/ ۹۷۰م حاکم آنجا شد. با انتقال پایتخت از افریقیه به قاهره، استقلال کلبیان مسجل گردید (احمد، ۱۳۶۲، ص۵۰ـ۵۱).

با مرگ ابوالقاسم در جنگ با ایتالیایی‌ها، بزرگان سیسیل، پسرش جابر را به امارت برگزیدند و عزیز، خلیفه فاطمی، انتخابشان را تأیید کرد (زارع، ۱۳۹۲، ص۴۹). امّا چندی بعد جابر به علت بی‌کفایتی، عزل شد و جعفربن‌محمد به جایش نشست. با مرگ جعفر، برادرش عبدالله‌بن‌محمد حکومت یافت، امّا وی در همان سال از دنیا رفت (احمد، ۱۳۶۲، ص۵۱ـ۵۲). پس از وی، ابوالفتوح یوسف‌بن‌عبدالله، جانشین پدر شد (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸، ج۸، ص۱۵۷) و خلیفه فاطمی پس از تأیید، لقب ثقه‌الدوله را به او عطا کرد. یوسف در سال ۳۸۸ق/ ۹۹۸م بر اثر

بیماری از کار کناره گرفت و پسرش جعفر، با دریافت عناوین تاج‌الدّوله و سیف‌الملّه از الحاکم، خلیفه فاطمی، جانشینش شد. جعفر، فردی بی‌کفایت بود و انحطاط کلبیان از زمان او آغاز گردید. در زمان وی، شورش‌هایی در سیسیل انجام شد. برادرش، علی‌بن‌یوسف، در سال ۴۰۵ق/ ۱۰۱۵م به کمک بربرها و بردگان سیاه‌پوست شوریدند، امّا سرکوب شدند و علی کشته شد. شورش دیگری نیز در پالرمو رخ داد که یوسف، پدر جعفر، پادرمیانی کرد و شورشیان آرام شدند. یوسف، پسرش جعفر را عزل و پسر دیگرش، احمد، معروف به اکحل را منصوب کرد. احمد از الحاکم، خلیفه فاطمی، لقب تأییدالدوله گرفت (احمد، ۱۳۶۲، ص۵۲). در زمان احمد، منازعاتی میان او و بیزانس انجام شد. در این زمان، اتحادی میان کلبیان و زیریان که در افریقیه حکومت می‌کردند، به وجود آمد، امّا این اتحاد دیری نپایید و معزّ زیری، شورش سیسیلی‌ها به رهبری ابوحفص را حمایت کرد. در سال۴۳۰ق/ ۱۰۳۷ـ۱۰۳۸م احمد در نبرد با شورشیان شکست خورد و به قتل رسید. در همین سال، بیزانسی‌ها با سپاه نیرومندی به مسینا حمله کردند و مسیحیان سیسیل هم به آنها پیوستند (همان، ص۵۳).

حکومت کلبیان در سال ۴۳۱ـ۴۳۲ق/ ۱۰۴۰م دچار آشفتگی شد و تا یک دهه ادامه یافت. در همین سال، حسن الصمصام (صمصام‌الدوله)، عبدالله‌بن‌معزّ زیری را شکست داد و پس از مدتی از قدرتش کاسته شد. در همین دهه انحطاط، سیسیل به قلمروهای کوچک تقسیم گردید. قائد عبدالله‌بن‌منکور (منکوت)، حاکم تراپانی (طرابنه/ اطرابُنش)، مارسالا، مادزارا، شیاکا و جلگه‌های غربی شد و علی‌بن‌نعما (ابن‌حواس)، حاکم کاستروجووانی، جرجنتی و کاسترونووو گردید (همان، ص۵۷ـ۵۸). در سال ۴۳۵ـ۴۳۶ق/ ۱۰۴۴م صمصام توسط سران سپاه معزول شد (زارع، ۱۳۹۲، ص۵۲). در ادامه، گروه اشراف بر سیسیل حکومت کردند که ابن‌حواس، قدرتمندترینشان بود. میان سال‌های ۴۴۴ـ۴۵۵ق/ ۱۰۵۳ـ۱۰۶۳م، محمد بن ابراهیم بن ثمنه (ابن‌ثمنه)، حاکم سیسیل شد (همان، ص۵۷ـ۵۸).

۲ـ۵. دلایل فراز و فرود کلبیان

عللی که موقعیت کلبیان را در سیسیل تثبیت کرد، عبارتند از:

الف) رضایت عمومی مسلمانان سیسیل؛

ب) آرامش نسبی جزیره؛

ج) گسترش مهاجران مسلمان به سیسیل؛

د) نیاز خلفای فاطمی به حکومتی دست‌نشانده، صدیق و کارآمد در عملیات دریایی در سیسیل (همان، ص۵۱).

دلایلی که باعث فروپاشی دولت کلبیان شد، عبارتند از:

الف) اختلاف میان بربرها، اعراب و مسلمانان بومی جزیره؛

ب) برکشیدن افراد نالایق؛

ج) ضعف تدریجی فاطمیان؛

د) تهاجمات آل‌زیری (زارع، ۱۳۹۲، ص۵۵ـ۵۸).

۳ـ۵. فرهنگ و تمدن در دوره کلبیان

یکی از نویسندگان معتقد است که سیسیل هرگز در دوران تاریخی خود، تمدن و ثروت دوره کلبیان را نداشته است. در این زمان، دانشگاه پزشکی پالرمو، همسنگ دانشگاه‌های بغداد و قرطبه بوده است (امیرعلی، ۱۳۶۶، ص۵۶۵).

کلبیان مانند فاطمیان، شیعه اسماعیلی بودند. در روزگار خاندان ابوالحسین، در آن جزیره عقاید عبیدیان (فاطمیان) را تبلیغ می‌کردند. آنها در نماز میّت، پنج تکبیر می‌گفتند و به اسلام ابوطالب علیه‌السلام اقرار داشتند (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵، ج۱، ص۴۸۶). کتاب دیوان ابی طالب علیه‌السلام و ذکر اسلامه توسط ابونعیم لغوی گردآوری شده که در سیسیل از دنیا رفته است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ج۲۶، ص۴۵ـ۴۶).

هنر و معماری اسلامی به‌جای‌مانده در سیسیل، برخی به دوره کلبی‌ها مربوط می‌شود. مقرنس‌ها و نقوش گیاهان، حیوانات و شکار در سقف کلیساها و قلعه‌ها، مؤید این مطلب است. کلیسای سَن‌کاتالدو[1] در پالرمو که دارای سه گنبد عربی کوچک سرخ‌رنگ و خطوط عربی است، از بناهای دوره کلبیان می‌باشد (ماریومورینو، ۱۹۶۸، ص۵۱ـ۵۷). (تصویر شماره ۱)

1. San Cataldo.



تصویر شماره ۱: کلیسای سن کاتالدو، پالرمو (منبع: اینترنت)

رواق کلیسای مونرئالی[1] (تصویر شماره ۲) و خطوط عربی ـ کوفی در ستون‌های کلیسای لامورتورانا[2] (تصویر شماره ۳) به دوره کلبیان بازمی‌گردد (همان).



تصویر شماره ۲: رواق کلیسای مونرئالی، پالرمو (منبع: اینترنت)

1. Monreale.
2. Lamartorana.



تصویر شماره ۳: خطوط عربی ـ کوفی در ستون‌های کلیسای لامورتورانا (منبع: اینترنت)

از دیگر مظاهر معماری کلبیان در سیسیل، قصر معروف فاوارا واقع در پالرمو است که احتمالاً به دستور امیر جعفر ساخته شده است (خبرگزاری ایرنا، «نگاهی به جزیره سیسیل و...» https: //www.irna.ir/news/5785543) (تصویر شماره ۴).



تصویر شماره ۴: قصر فاوارا، پالرمو (منبع: اینترنت)

۶. نورمان‌ها در سیسیل

دسته‌ای از شهسواران نورمان (نورماندی)[1] هنگام بازگشت از زیارت بیت‌المقدس، مسلمانانی را که شهر سالرنو را به محاصره درآورده بودند، متواری ساختند. گوآئیمار چهارم، امیر سالرنو، تحت تأثیر این حرکت قرار گرفت و از نیروهای مزدور ارتش نورمان دعوت کرد که به سپاه وی بپیوندند. در نتیجه، بسیاری از ماجراجویان نورمان به جنوب ایتالیا وارد شدند (احمد، ۱۳۶۲، ص۸۱).

برخی از علل توجه نورمان‌ها به سیسیل عبارتند از:

الف) وجود زمین‌های حاصلخیز؛

ب) حضور گسترده مسلمانان و احتمال تهاجم به ایتالیا؛

ج) وجود هرج‌ومرج و کاهش قدرت کلبیان؛

د) قول ابن‌ثمنه برای اهدای بخشی از جزیره در ازای کمک نورمان‌ها؛ چراکه بخش‌هایی از جزیره به دست ابن‌حواس اشغال شده بود؛

هـ) تقسیم سیسیل به قلمروهای کوچک (همان، ص۸۳ـ۸۴).

البته گوستاو لوبون وضعیت رقت‌بار مسیحیان در سیسیل را دلیل تهاجم نورمان‌ها می‌داند (لوبون، ۱۳۵۸، ص۳۷۲).

۱ـ۶. جنگ‌ها و رخدادهای تاریخی

نخستین فرمانده نورمان‌ها که عازم سالرنو شده بود، گیوم ملقب به پولاددست، یکی از پسران تانکرد اوتویلی (تنکرید) بود. بعد از درگذشت گیوم در سال ۴۳۹ـ۴۴۰ق/ ۱۰۴۸م، برادرش، دروگو و پس از او، برادر دیگر، روبر گیسکار، وارد میدان سیاست شد (احمد، ۱۳۶۲، ص۸۲). از طرف دیگر، روژه (روجر/ رجار)،[2] برادر دیگر، رقیبی برایش بود. وی به دعوت ابن‌ثمنه، مسینا را تصرف کرد و آنجا را مرکز عملیات قرار داد. مسیحیان اطراف، هیچ مقاومتی در برابر نورمان‌ها نشان ندادند. در این حمله‌ها، ابن‌ثمنه، یاور دو برادر مسیحی بود، امّا در نبردی کشته شد (همان، ص۸۲ـ۸۴).

۱. نورمان‌ها قومی از شمال اروپا بودند که فرانسه و انگلستان را فتح کردند و از شرق تا قسطنطنیه پیش رفتند. آنها در ایتالیا و سیسیل حکومتی تشکیل داده و مسلمانان را از آنجا بیرون راندند (لوبون، ۱۳۵۸، ص۳۷۰).

2. Count Roger.

برخی از مسلمانان سیسیل به افریقیه رفته و وضع فلاکت‌بار مردم را به معزبن‌بادیس گزارش دادند. او ناوگانی به سوی جزیره فرستاد، امّا به سبب طوفان، پراکنده شدند (همان، ص۸۵). چندی بعد تمیم، پسر معز، نیروی دیگری به فرماندهی پسرانش ایوب و علی به جزیره فرستاد. آنها حاکمیت پدرشان را بر پالرمو و مادزارا تا چفالو استوار کردند. از سال ۴۵۴ـ۴۵۵ق/ ۱۰۶۳م، ایوب، کارآزموده‌ترین رهبر نظامی در سیسیل بود و مالک‌الرقاب (صاحب‌اختیار) جرجنتی، کاستروجووانی و پالرمو گردید. در سال‌های ۴۵۷ـ۴۶۰ق/ ۱۰۶۵ـ۱۰۶۷م میان مسلمانان و نورمان‌ها نزاع‌هایی درگرفت. روژه در سال ۴۶۰ـ۴۶۱ق/ ۱۰۶۸م، ایوب را در میزیلمری شکست داد و آنها به آفریقا برگشتند (همان).

نورمان‌ها چند سال بعد عازم جزیره شدند و توانستند مقر طرفداران ابن‌ثمنه را با خیانت به تصرف درآورند. آنها سپس پالرمو را در سال ۴۶۴ق/ ۱۰۷۲م تصرف کردند و آنجا را پایتخت خود قرار دادند.[1] مدتی بعد، مادزارا و در سال ۴۶۴ـ۴۶۵ق/ ۱۰۷۲م تمامی سواحل شمال غربی جزیره به دست برادران روبر و روژه افتاد. مسلمانان در منطقه وال‌دمونه، کاستروجووانی و سیراگوزا در جنوب بودند. رهبر مسلمانان در این زمان، بناورت‌بن‌عروه (بناروت) بود. مسلمانان سیسیل بار دیگر از زیری‌ها کمک خواستند. تمیم زیری، ناوگانی به نیکوترا در کالابریا فرستاد، امّا توسط نورمان‌ها در سال ۴۶۷ـ۴۶۸ق/ ۱۰۷۵م عقب زده شد. در ادامه، میان مسلمانان به فرماندهی ابن‌عروه و نورمان‌ها درگیری‌هایی رخ داد. ابن‌عروه با آتش زدن کلیساها و اسارت گرفتن کشیشان، واکنش مسیحیان ایتالیا را برانگیخت و مبارزه با مسلمانان، جنبه جهاد به خود گرفت. روژه از این مسئله استفاده کرد و باعث فتوح نورمان‌ها در سیسیل شد. در سال ۴۷۹ـ۴۷۸ق/ ۱۰۸۶م ابن‌عروه به قتل رسید و سیراگوزا و جرجنتی به تصرف مسیحیان درآمد. کاستروجووانی نیز به سبب تسلیم و مسیحی شدن حمّود، تسلیم شد (همان، ص۸۶ـ۸۸). در سال‌های ۴۷۸ـ۴۸۱ق/ ۱۰۸۶ـ۱۰۸۸م روژه، بوترا را اشغال کرد و مسلمانان آنجا به کالابریا تبعید شدند. در سال ۴۸۳ـ۴۸۴ق/ ۱۰۹۱م نوتر، آخرین شهر مسلمانان، تسلیم شد (ناصری طاهری، ۱۳۷۵، ص۱۲۲). فتح سیسیل توسط نورمان‌ها، سی‌سال (۴۸۴ـ۴۵۳ق/ ۱۰۶۱ـ۱۰۹۱م) طول کشید (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص۳۵۳) و روژه بیشترین نقش را در تصرف جزیره داشت؛ هرچند برادرش

۱. نویسنده اسلام در غرب، تاریخ تصرف را سال ۴۶۲ق/ ۱۰۷۰م می‌داند (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص۳۵۳).

نیـز کمک‌هایـی به او کرده بـود (احمد، ۱۳۶۲، ص۸۹). گفته می‌شـود که نورمان‌هـا در تهاجمات خویش به سیسیل، جنایات زیادی انجام دادند (ر. ک: لوبون، ۱۳۵۸، ص۳۷۲ـ۳۷۶).

روژه در سـال‌های ۴۸۴ـ۴۹۴ق/ ۱۰۹۱ـ۱۱۰۱م بـا تسـاهل بـر جزیـره حکومـت کـرد؛ ازایـن‌رو مسـلمانان مطیـع او شـدند و حتـی در سـپاهش، مسـلمان نیـز وجـود داشـت. وی در برابـر فشـار مقامات کلیسـا مبنی بر تغییر مذهب مسـلمانان، مقاومت می‌کرد. در این میان، تنها مسلمانان پانتالیکا علیه او شوریدند، امّا سرکوب شدند. روژه در سال ۴۹۴ق/۱۱۰۱م درگذشت (احمـد، ۱۳۶۲، ص۸۹ـ۹۰) و پـس از او، همسـرش، کنتـس آدلائیـد، به مدت ده سـال ۴۹۴ـ۵۰۴ق/ ۱۱۰۱ـ۱۱۱۱م بـه نـام سـیمون، پسـر اوّل و روژه دوم، پسـر دوم، بـر سیسـیل و کالابریـا فرمـان راند. روژه دوم کـه پـس از مادر به حکومت رسـید، برترین فرمانـروای نورمان‌ها بود. او در رویارویی با اروپاییان، از مسـلمانان سیسـیلی نیز اسـتفاده کرد. میان روژه دوم و دولت‌های شمال آفریقا نیز برخوردهایی صورت پذیرفت و تصرفاتی انجام گرفت. روژه دوم، هم پادشاه سیسیل و هم افریقیـه شـده بـود و مردم افریقیـه به او خـراج می‌پرداختند. وی در سـال ۵۴۸ـ۵۴۹ق/ ۱۱۵۴م درگذشـت. پس از روژه دوم، پسـرش گیوم اوّل، معروف به گیوم بد، در همین سال به حکومت رسید. او امور دولت را به وزیران سپرد. از وقایع زمان او می‌توان به اشغال شهرهای بادی، ترانی، جوننتسو و مولنتا در سال ۵۴۹ق/ ۱۱۵۴ـ۱۱۵۵م اشاره کرد که البته آنها را پس گرفت. در سال ۵۵۰ـ۵۵۱ق/ ۱۱۵۶م قیامی از طرف اشراف و در شمال آفریقا نیز قیام‌هایی انجام شد که باعث ازدسـت‌دادن پاسگاه‌های شمال آفریقا شـد (همان، ص۹۵ـ۹۶). گیوم اول پیش از مرگ در سال ۵۶۱ق/ ۱۱۶۶م ملکه مارگریت را به نیابت از سلطنت تعیین کرد، امّا شورای ده نفره که توسط اشراف یاغی تشکیل شده بود، قدرت را از ملکه گرفت (همان).

گیوم دوم، ملقب به گیوم خوب در سـال ۵۶۶ـ۵۶۷ق/ ۱۱۷۱م به حکومت رسـید. او باب مراوده را میان اروپا و سـرزمین قدس گشـود و از نخسـتین کسـانی بود که در آغاز جنگ سـوم صلیبـی، صلیـب برگرفـت؛ امّـا نتوانسـت در جنـگ شـرکت کنـد و در سـال ۵۸۵ق/ ۱۱۸۹م از دنیـا رفـت (همـان، ص۹۷). بعـد از گیـوم دوم، تانکـرد، نوه روژه دوم، حاکم شـد. در نخسـتین سـال حکومت، مسلمانان سیسیل شـورش کردند که پایان حضور مسلمانان در سیسیل بود.

هنگامی که جنگ سوم صلیبی به سیسیل رسید، ریچارد شیردل مسینا را اشغال کرد، امّا تانکرد با وی صلح نمود. تانکرد در سال ۵۹۰ق/ ۱۱۹۴م از دنیا رفت (همان، ص۹۹). پس از تانکرد، گیوم سوم به‌جای پدر نشست، ولی مادرش، سیبیلا نیابت سلطنت داشت. در سال ۵۹۰ق/ ۱۱۹۴م، هنری (هانری) ششم، امپراتور آلمان، به طرف جنوب ایتالیا حرکت کرد و با کمک ناوگان‌های پیزا و جنوا، سیسیل را فتح کرد و به حکمرانی نورمان‌ها خاتمه داد و دوره سوابی‌ها آغاز شد (همان، ص۱۰۰).

۲ـ۶. فرهنگ و تمدن

فرهنگ و تمدن سیسیل در زمان نورمان‌ها، به دو تمدن بزرگ و تأثیرگذار جهان، یعنی تمدن یونان و تمدن عرب و اسلام پیوند خورده بود. نورمان‌ها با تسامح خود نسبت به دانشمندان مسلمان، زمینه‌ای را فراهم آوردند که در آن، پیشرفت چشمگیری در زمینه‌های مختلف علوم، از جمله پزشکی، ریاضیات، نجوم و فلسفه، حاصل شد. سلاطین نورمان با آگاهی از برتری مسلمانان و اعراب در این زمینه‌ها، از دانش و تجربه آنها بهره بردند و بدین ترتیب، سیسیل به یکی از مراکز مهم علمی و فرهنگی در اروپا تبدیل شد (لوبون، ۱۳۵۸، ص۳۷۰). در این دوره، هویت اسلامی ـ عربی سیسیل حفظ شد و مساجد و مراکز اسلامی همچنان فعال بودند. بانگ اذان از مناره‌ها بلند بود و نماز عید به طور منظم برگزار می‌شد (ابن‌جبیر، ۱۳۷۰، ص۴۰۱ و ۴۰۴).

روژه دوم به زبان عربی سخن می‌گفت و می‌نوشت[1] و دستورات و بخشنامه‌های او به زبان‌های عربی، یونانی و لاتینی نوشته می‌شد (لوبون، ۱۳۵۸، ص۳۷۷). وی در دربار خود، از وزیران و کارگزاران مسلمان و نیز مسیحی مسلط به زبان عربی استفاده می‌کرد و تعداد بی‌شماری از دانشمندان عرب در دربار او بودند (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص۳۵۳). ادریسی، جغرافی‌دان معروف، که متولد سال ۴۹۳ق/ ۱۱۰۰م در سوته[2] مغرب است، کتاب نزهه المشتاق فی اختراق الأفاق را برای وی تألیف نمود (حاجی‌خلیفه، بی‌تا، ج۲، ص۱۹۴۷ و آل‌علی، ۱۳۷۰، ص۳۵۳). این اثر، به کتاب روجار (روژه) هم معروف است (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ج۳، ص۲۹۹). روژه دوم در حرمسرای

۱. تسلط به زبان عربی برای دیگر حاکمان مسیحی سیسیل مانند گیوم هم ذکر شده است (ر. ک: ابن‌جبیر، ۱۳۷۰، ص۳۹۵).
2. Coute.

خود، زنان مسلمان داشت. وی به مطالعه علمی در سنت‌های اسلامی می‌پرداخت. برخی او را در باطن، مسلمان می‌دانند (احمد، ۱۳۶۲، ص۹۵ـ۹۴). از سکه‌های باقی‌مانده از دوره روژه دوم نقل شده که دارای کلمات و نقوش عربی بوده است (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص۳۵۳).

شعار گیوم خوب، الحمد لله شکراً لأنعمه بوده است. برخی از دولتمردان، کارگزاران و بازرسان وی، مسلمان بوده‌اند. برخی نیز به ظاهر ادعای مسیحیت می‌کردند (ابن‌جبیر، ۱۳۷۰، ص۳۹۵ـ۳۹۶). ابن‌جبیر که در سال ۵۷۹ق/ ۱۱۸۴م از پالرمو و سایر شهرهای سیسیل دیدار کرده بود، آبادی و مملکت‌داری آنجا را توصیف می‌کند. او از کشاورزی پیشرفته و ردیف‌کاری درختان میوه، به‌ویژه انگور و وجود تعداد بی‌شماری درخت پاپیروس مثال می‌زند. همچنین به لباس زنان مسیحی اشاره می‌کند که همانند البسه زنان مسلمان بوده است؛ حتی بانوان مسیحی، روبند داشته و مانند زنان مسلمان خود را معطر و خضاب می‌کردند (همان، ص۴۰۶).

فردریک دوم،[1] نواده روژه دوم، ملقب به امپراتور روم مقدس، بزرگ‌ترین پادشاه نورمان‌هاست که علاوه بر سیسیل، بر آلمان هم حکومت می‌کرد و در جنگ‌های صلیبی شرکت نمود. فردریک آن‌چنان شیفته آداب و رسوم مسلمانان و اعراب بود که از وی با لقب نیمه‌مشرک یاد می‌شود. او به سبک عرب‌ها لباس می‌پوشید و در دربار خود، دانشمندان عرب‌زبان را گرد آورده بود (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص۳۵۴). وی مؤسس مرکز علمی ناپل در سال ۶۲۰ق/ ۱۲۲۴م است که آغازگر جنبش علمی در اروپا بود. توماس اکوئیناس،[2] دانشمند اروپایی قرون وسطا، از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه است (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص۳۵۵). در این مرکز، مجموعه‌ای از تألیفات فلسفی ابن‌رشد و سایر فلاسفه مسلمان و کتب دیگر فراهم آمده بود و به‌تدریج به لاتینی ترجمه و در شمار کتاب‌های درسی قرار می‌گرفت. این اقدامات در فاصله سال‌های ۵۴۴ـ۴۹۰ق/ ۱۱۹۷ـ۱۲۵م زیر نظر متفرید، فرزند فردریک صورت گرفت (مشکاه‌الدینی، ۱۳۵۰، ص۴۰۸). حتی نسخه‌هایی از این کتاب‌ها، به دانشگاه‌های پاریس و بلوین[3] ارسال شد (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص۳۵۵).

1. Fredrick II.
2. Thomas Aquinas.
3. Bologna.

فردریک به ابن‌العربی و مترجمان دستور داد کتاب‌های پرورش حیوانات را از عربی و فارسی برای او ترجمه کنند و این کار، مقدمه نگارش کتاب او در تربیت باز و شاهین و نخستین کتاب در پرورش حیوانات در سراسر اروپا بوده است. حتی حاکم ایوبی، حیواناتی از جمله زرافه مصری برای او فرستاد. این برای نخستین بار بود که زرافه به اروپا راه پیدا می‌کرد (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص۳۵۴). تئودور، منجم دربار، کتاب سر الأسرار را که در زمینه بهداشت و تندرستی بود، برایش از عربی ترجمه کرد. پس از مرگ تئودور، اسکات جانشین او شد که از بزرگ‌ترین محققان و دانشمندان سیسیل و ایتالیا به شمار می‌رفت. او چند کتاب از جمله کتاب‌های ابن‌سینا را به لاتینی ترجمه کرد (همان، ص۳۵۵). حاکمان مسیحی سیسیل، با امیران مسلمان مغرب ارتباط و تعامل داشته‌اند. ابن‌سبعین، فیلسوف، پزشک و گیاه‌شناس اندلسی، در پاسخ به فردریک دوم، که سؤالاتی را در طبیعیات و الهیات مطرح نموده و از عبدالواحد الراشد، خلیفه موحدان، تقاضای پاسخ کرده بود، کتاب یا رساله‌ای تحت عنوان الأجوبه عن الأسئله الصقلیه را نگاشت (همان، ص۳۳۶).

فرج‌بن‌سلیم، پزشک کلیمی است که به روزگار شارل اوّل بوده و کتاب الحاوی رازی و کتاب‌های دیگر را به زبان لاتینی ترجمه کرده است (همان، ص۳۵۶). یکی از خاورشناسان، علت اصلی انتشار علوم در اروپا را جنگ‌های صلیبی نمی‌داند؛ بلکه عامل آن را کشورهای اسپانیا، سیسیل و ایتالیا دانسته است (لوبون، ۱۳۵۸، ص۷۰۴ـ۷۰۵).

هنر و معماری اسلامی، بر هنر و معماری دوره نورمان‌ها، بسیار تأثیرگذار بود. با مقایسه آثار هنری و معماری باقی‌مانده در ایران و سیسیل و به سبب حضور معماران و هنرمندان ایرانی در سیسیل، این تأثیر به‌خوبی مشاهده می‌شود (ر.ک: فتحی و دیگران، ۱۳۹۹، ص۱۰۱ـ۱۱۷). به نظر می‌رسد که بنای کوبولا در پالرمو، گرته‌برداری از آرامگاه امیر اسماعیل سامانی در بخارا است (همان، ص۱۱۱) (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره ۵، مقایسه کوبولا در پالرمو با مقبره امیر اسماعیل سامانی
در بخارا (منبع: فتحی و دیگران، ۱۳۹۹، ص۱۱۱)

از نمونه‌های دیگر تأثیر معماری اسلامی، قصر القبه (کوبا) در پالرمو است که توسط هنرمندان خلاق مسلمان برای روژه دوم ساخته شده است (تصویر شماره ۶).



تصویر شماره ۶: قصر القبه (کوبا) (منبع: اینترنت)

با توجه به نقاشی به‌جامانده از این قصر که در میان آب قرار دارد، به نظر می‌رسد معماران مسلمان، گرد قصر، دریاچه‌ای مصنوعی ساخته بودند که زیباییش را دوچندان کند (تصویر شماره ۷).



تصویر (نقاشی) شماره ۷: قصر القبه (کوبا) (منبع: اینترنت)

قصر با گنبدهای عربی، طاق‌ها، گچبری‌ها و مثلث‌هایی با حکاکی خطوط عربی ـ کوفی تزئین شده است (بساتین، بی‌تا، http://manuscripts.ir/ar) (تصاویر شماره ۸ و ۹)

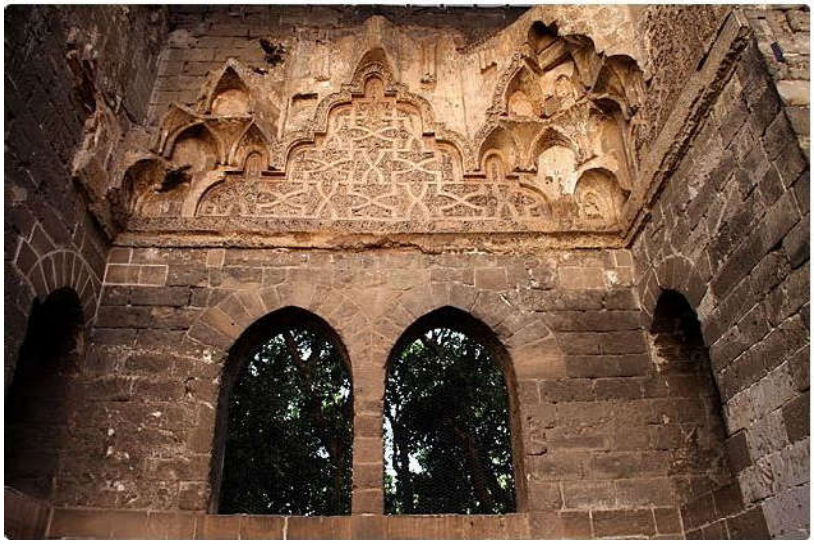

تصویر شماره ۸: قصر القبه (کوبا) (منبع: اینترنت)



تصویر شماره ۹: خطوط عربی منقوش در قصر القبه (منبع: اینترنت)

منـاره مربع‌شـکل کـه در اندلـس، مغرب، تونس و مصر رواج داشـته اسـت، در سیسـیل و سپس اروپا تقلید شد. نمونه‌هایی از این معماری، در کلیسای جامع پالرمو مشاهده می‌شود (تصویر شماره ۱۰).



تصویر شماره ۱۰: مناره‌های (ناقوس‌خانه‌ها) مربع‌شکل در کلیسای جامع پالرمو (منبع: اینترنت)

صنعت کاشی‌کاری با نقش و رنگ‌آمیزی چشم‌نواز، در سیسیل به وجود آمد که متأثر از هنر اسلامی بود. نمونه‌هایی از آن در کلیسای پلاتین (پالاتین/کاپلّا پلاتینا) در پالرمو دیده می‌شود (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص۳۵۷) (تصویر شماره ۱۱). این کلیسا، جزو ده کلیسای زیبای جهان محسوب می‌شود. تأثیر تصاویر نمازخانه این کلیسا از هنر ایرانی به‌ویژه دوره ساسانی، به‌خوبی دیده می‌شود (ر.ک. فتحی و دیگران، ۱۳۹۹، ص۱۰۱ـ۱۱۷).



تصویر شماره ۱۱: نمازخانه کلیسای پلاتین (منبع: اینترنت)

قصر نورمن[1] (نورمان) در پالرمو، از قصرهای زیبایی است که در قرن سوم هجری توسط مسلمانان ساخته شده و در زمان فردریک دوم نورمانی، بازسازی و باشکوه‌تر گردیده است (تصویر شماره ۱۲).



تصویر شماره ۱۲: قصر نورمن، پالرمو (منبع: اینترنت)

1. Palazzo dei Normanni.

قصـر زیـزا (عزیزه) کـه در پالرمو قـرار دارد، بـه عهد نورمان‌هـا بازمی‌گـردد. مقرنس‌های آن همانند قصر الحمرا در اسپانیا و مسجد جامع اصفهان دوره سلجوقی است (همان، ص۱۱۰ـ۱۱۱) (تصاویر شماره ۱۳ و ۱۴).



تصویر شماره ۳: قصر زیزا (عزیزه)، پالرمو
(منبع: https://www.wondersofsicily.com/palermo-la-zisa.htm و لوبون، ۱۳۵۸، ص۳۷۱)



تصویر شماره ۱۴: مقرنس‌کاری‌های قصر زیزا (عزیزه)، پالرمو
(منبع: https://www.wondersofsicily.com/palermo-la-zisa.htm و لوبون، ۱۳۵۸، ص۳۷۵)

کاشی‌های موجود در قصر زیزا هم زیبا و چشم‌نواز می‌باشد (تصویر شماره ۱۵).



تصویر شماره ۱۵: کاشی‌های قصر زیزا (عزیزه)، پالرمو (منبع:
https: //www. wondersofsicily.com/palermo-la-zisa. htm)

پارچه‌های ابریشمی و مخملی در کارگاه‌های نساجی سیسیل، توسط هنرمندان مسلمان تهیه شده و لباس‌های زربفت و قلاب‌دوزی‌شده، به سبک لباس خلفا، برای پادشاهان و اشراف بافته می‌شد (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص۳۵۷).

نتیجه‌گیری

سیسیل، جزیره‌ای سبز و حاصلخیز در قلب مدیترانه، بیش از چهار قرن تحت تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی بود. در این دوره، مسلمانان با بهره‌گیری از منابع طبیعی جزیره و همچنین دانش و مهارت خود، آن را به یکی از مراکز مهم اقتصادی، فرهنگی و هنری در اروپا تبدیل کردند. در آغاز، حملات مسلمانان به سیسیل با هدف جهاد و گسترش اسلام انجام می‌شد. امّا با گذشت زمان، مسلمانان به این جزیره علاقمند شدند و به فکر تسخیر آن افتادند. سرانجام، در دوره حکومت اغلبیان، سیسیل به تصرف مسلمانان درآمد. در دوره حکومت فاطمیان و کلبیان، تسلط مسلمانان بر سیسیل ادامه یافت. در این دوره، فرهنگ و تمدن اسلامی در این جزیره به اوج خود رسید. با سقوط کلبیان، نورمان‌های مسیحی در

سیسیل به حکومت رسیدند، امّا بزرگان و دانشمندان مسلمان توانستند با نفوذ بر حاکمان نورمان، فرهنگ و تمدن اسلامی را در این جزیره حفظ کنند. امروزه، پس از گذشت قرن‌ها، هنوز هم می‌توان آثار و نشانه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی را در سیسیل مشاهده کرد. این آثار شامل مساجد، کلیساها، قصرها و سایر بناهای تاریخی است. تسامح و تساهل حاکمان مختلف سیسیل، به‌ویژه نورمان‌های مسیحی باعث شد که گروه‌های مختلف مذهبی و قومی در این جزیره با یکدیگر در صلح و آرامش زندگی کنند. این همزیستی مسالمت‌آمیز، زمینه‌ساز شکوفایی و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی در سیسیل شد. در این سده‌ها، هنر، معماری، دانش و فنون گوناگون در سیسیل ترقی یافت و حتی در اروپا تأثیر گذاشت، امّا فرجام این منطقه همانند اسپانیا رقم خورد و مسلمانان، پس از قرن‌ها حضور در این جزیره، آن را ترک کردند.

فهرست منابع

۱. آل‌علی، نورالدین، ۱۳۷۰ش، اسلام در غرب، تهران: دانشگاه تهران.
۲. آیتی، محمدابراهیم، ۱۳۶۳ش، اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، تهران: دانشگاه تهران.
۳. ابن‌اثیر جزری، ابوالحسن علی‌بن‌عبدالواحد الشیبانی، ۱۳۹۸ق، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار الفکر.
۴. ــــــــــ، ۱۳۷۱ش، کامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: علمی.
۵. ابن‌جبیر، محمدبن‌احمد، ۱۳۷۰ش، سفرنامه ابن‌جبیر، ترجمه: پرویز اتابکی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۶. ابن‌خلدون، عبدالرحمان، ۱۳۶۳ش، العبر، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۷. ــــــــــ، ۱۳۷۵ش، مقدمه، ترجمه: محمدپروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
۸. ابن‌خلکان، ۱۳۸۱ش، منظر الانسان (ترجمه وفیات الاعیان)، ترجمه: احمد بن محمد بن عثمان سنجری، تصحیح و تعلیق: فاطمه مدرسی، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
۹. احمد، عزیز، ۱۳۶۲ش، تاریخ سیسیل در دوره اسلامی، ترجمه: نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۰. ارسلان، شکیب، ۱۳۷۰ش، تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، ترجمه: علی دوانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. امیر علی، ۱۳۶۶ش، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه: فخر داعی گیلانی، تهران: گنجینه.
۱۲. بوسورث، کلیفورد ادموند، ۱۳۷۱ش، سلسله‌های اسلامی، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
۱۳. تهرانی، شیخ آقابزرگ، ۱۴۰۸ق، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم: اسماعیلیان.
۱۴. جودکی، حجت‌الله، ۱۳۷۹، «اغالبه»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال اول، ش۳، پاییز، ص۶۹ـ۱۰۵.
۱۵. حاجی‌خلیفه، مصطفی‌بن‌عبدالله، بی‌تا، کشف الظنون، تصحیح و تعلیق: محمد شرف‌الدین یالتقایا و رفعت بیلگه الکلیسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. حتی، فیلیپ خلیل خوری، ۱۳۴۴، تاریخ عرب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: حقیقت.
۱۷. حموی، شهاب‌الدین ابی‌عبدالله یاقوت، بی‌تا، معجم البلدان، بیروت: دار الفکر و دار صادر.
۱۸. زارع، محمدرضا، ۱۳۹۲ش، «شیعیان اسماعیلی و حضور تاریخی آنان در سیسیل»، فصلنامه علمی ـ پژوهشی شیعه‌شناسی، سال ۱۱، ش۴۱، بهار، ص۴۱ـ۶۲.
۱۹. عباس، احسان رشید، ۱۹۹۴م، معجم العلماء والشعراء الصقلیین، بیروت: دار المغرب الاسلام.
۲۰. عودی، ستار، ۱۳۸۵ش، تاریخ دولت اغلبیان در افریقیه و صقلیه، تهران: امیر کبیر.
۲۱. فتحی، شبنم و دیگران، ۱۳۹۹ش، «تأثیرپذیری هنر جزیره سیسیل در دوره نورمن‌ها از هنر اسلامی ـ ایرانی»، دوفصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی، دوره ۷، ش۱۹، بهار و تابستان، ص۱۰۱ـ۱۱۷.
۲۲. گلی زواره‌ای، غلامرضا، ۱۳۸۹ش، «اروپا، مسلمانان و سرزمین اسلام، نفوذ اسلام در ایتالیا(۱)»، درس‌هایی از مکتب اسلام، ش۵۹۶، دی، ص۳۹ـ۴۶.

۲۳. لوبون، گوستاو، ۱۳۵۸ش، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سیدهاشم حسینی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
۲۴. ماریومورینو، مارتینو، ۱۹۶۹م، المسلمون فی صقلیه، بیروت: الجامعه اللبنانیه.
۲۵. مرادی، حیات، ۱۳۹۰ش، «بررسی گفتمان سلطه در نامه زیاده‌الله سوم اغلبی علیه ابوعبدالله شیعی»، فصلنامه تاریخ اسلام، دوره ۱۲، ش۴، د‌ی، ص۱۵۱ـ۱۶۷.
۲۶. مشکاه‌الدینی، عبدالمحسن، ۱۳۵۰ش، «نمونه‌هایی از تأثیر تمدن اسلامی در ملل دیگر»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش۲۶، تابستان، ص۴۲۰ـ۳۶۵.
۲۷. مقدسی، ابوعبدالله محمدبن‌احمد، ۱۳۶۱ش، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه: علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۲۸. مونس، حسین، ۱۳۸۲ش، اطلس تاریخ اسلام، ترجمه: آذرتاش آذرنوش، تهران: سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
۲۹. ـــــــ، ۱۳۷۳ش، سپیده‌دم اندلس، ترجمه: حمیدرضا شیخی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۰. ناصری طاهری، عبدالله، ۱۳۷۵ش، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی ـ اجتماعی شمال آفریقا از آغاز تا ظهور عثمانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

پایگاه اطلاع‌رسانی

۳۱. خبرگزاری ایرنا، «نگاهی به جزیره سیسیل و یادگارهای مسلمانان در آن(۴)»، ۱۳۷۶/۱۱/۱۹، https: //www.irna.ir/news/5785543/.
۳۲. بساتین، اخبار المخطوطات، «یادگارهای مسلمانان در قصر هنری سیسیل»، بی‌تا.
33. http: //manuscripts.ir/ar/.
34. "The Wonders of Sicily" بی‌تا.
35. https: //www.wondersofsicily.com/palermo-la-zisa. htm.